

### ۲۳- در وظایف و مسؤولیت‌ها

در نظام حیات خانواده در اسلام، همه امور و گذران زندگی زوجین نظام‌دار است. ضوابط و قواعدی بر خانه حاکم است که در آن به حق احدی ستم روا داشته نمی‌شود.<sup>۱</sup> خداوندی که خالق بشر است با توجه به شئون، امکانات و ظرفیتهای آفرینشی افراد، وظایفی برای آنها معین کرده است، بدون این که به کسی ستمی روا دارد.<sup>۲</sup> در اسلام برای گذران امور خانواده مسأله توزیع وظایف و مسؤولیت‌ها مطرح است.<sup>۳</sup>



## بنیاد خانواده در اسلام و غرب

دکتر علی قائمی

- وظایف مردان تأمین اقتصادی ( نفقه )، مسؤولیت ارشادی و هدایتی اهل خانه، اجرای ضوابط و مقررات، ایفای نقش همسری و پدری و در نهایت قیمومت و کارگردانی اعضاست .  
- وظایف زنان مدیریت کانون، گرم نگاه داشتن کانون خانواده، ایفای نقش همسری و مادری است . زن مدیر خانه و مرکز عطف شوهر و فرزندان است .  
- وظایف فرزندان تبعیت از خط و فرمان والدین، تلاش در جهت رشد و اعتلا بر اساس برنامه‌ریزیهای والدین است و آن گاه که به مرحله رشد، تمیز و تکلیف رسیدند، عضوی مشارک در امور خانه و همگام و همراه پدر و مادر<sup>۲</sup> هستند، تا در آینده با استفاده از کارآموزیها در محیط خانه، خود به مقام همسری، پدری، یا مادری برسند.

در غرب امور اقتصادی خانواده بر اساس معیار ۵۰ درصد برای ۵۰ درصد است . مردان را مسؤولیت ارشادی برای همسر نیست و مدیریت کانون و وظیفه‌ای رسمی برای زن به حساب نمی‌آید. مادران مادری ندارند، تربیت و

در بخش سوم سلسله مقالات بنیاد خانواده در اسلام و غرب، موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفت عبارت بودند از : حقوق اختصاصی زن، حقوق اختصاصی مرد، روابط همسری ، ایجاد جاذبه‌ها، درخواست فرزند، حقوق فرزندان، حقوق والدین و تلقی اعضای خانواده از یکدیگر.

اینک به بررسی موضوعات دیگر در زمینه تفاوت دیدگاه جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ غرب می‌پردازیم .

و قوام بخشی آن مربوط به زنان است<sup>۸</sup> و این امر با ظرافت‌ها و خوی زنانه سازگارتر است. در مشیهای مشترک هم تصمیم‌گیری مشترک است. البته در اموری که از جانب خدا واجب خوانده می‌شود، مرد یا زن استقلال کامل دارند و کسی نمی‌تواند بر حکم خدا پیشی گیرد.<sup>۹</sup>

#### ۲۵- در جنبه تحکیم خانواده

اسلام برای حفظ قداست و ارزش خانواده برنامه‌ریزیهای بسیار دارد و همه توش و توان خود را مصروف می‌دارد تا خانواده برخوردار از استحکام و دوام لازم و به دور از لرزشها و ویرانیا باشد. از جمله برنامه‌های مهمی که اسلام در این راه دارد عبارتند از:

- پاکسازی و پاک‌داری محیط جامعه از مفاسد، انحرافات، لغزش‌ها و لغزش‌آفرینی‌ها بر اساس اصل نظارت<sup>۱۱</sup> و ولایت<sup>۱۱</sup>.

- اصلاح اخلاق، رفتار و خلق و خوی مردم و سعی در پای‌بند کردن آنها به ضوابط الهی.

- تشویق نسل جوان به ازدواج و رفع عزوبت‌ها و تجردها که خود عاملی برای پاکبهاست.<sup>۱۲</sup>

- الهی کردن ازدواج و قداست دادن به آن، تا بسادگی دچار تزلزل و از هم پاشیدگی نشود.

- تبلیغات و ارشادات دولت و مردم در جهت به صلاح آوردن مردم.

- حفظ عفت و تقوای اجتماعی، تا افراد جامعه پاسدار آن و حافظ شرافتها باشند.

اما در محیط غرب نه تنها به مسئله پاکسازی و پاک‌داری بر نمی‌خوریم، بلکه نفس محیط را عاملی برای توسعه مفاسد و آلودگی، و تزلزل‌آفرینی و آشفتگی برای خانواده می‌بینیم.

حضانت به عهده شیرخوارگاهها، مهدکودکها و کودکانهاست و ضوابط اجرایی خانواده بر اساس اصل توافق، سالاریت، رسوم و آداب و قدرتمندی است که در جوامع مختلف فرق دارد.<sup>۵</sup>

#### ۲۴- در مدیریت و کارگردانی

این مسأله نیز در واقع جلوه‌ای دیگر از همان وظایف و مسؤولیت‌ها و نشانه‌ای از سالاریت و اقتدار است. در جهان غرب اصل بر سالاریت است، خواه مرد سالاری و خواه زن سالاری. مثلاً در اغلب خانواده‌های جهان غرب این حالات را می‌بینیم:

- در ایتالیا مسأله مردسالاری مطرح است و زن را در کارگردانی‌ها تقریباً نقشی نیست.

- در آمریکا مدیریت خانواده و کانون‌داری به عهده زنان است و زن سالاری است.

- در آلمان و انگلیس قدرتها اغلب در دست پدران است (پدر سالاری).

- در فرانسه و در نزد یهودیان قدرت اغلب در دست مادران است (مادر سالاری).

- و به همین گونه است وضع در جوامع اولیه و ابتدایی که در آنها اغلب جدسالاری و در صورت غیاب او مادر سالاری است.<sup>۶</sup>

در اسلام اصولاً سالاریت مطرح نیست، زیرا همان گونه که گفتیم مسأله توزیع وظیفه مطرح است. یعنی وظیفه سالاری، و این مسأله‌ای است که در ازدواج فاطمه (ع) و علی (ع) از آن یاد کرده‌ایم.<sup>۷</sup> مشیهای مربوط به بیرون خانواده بر عهده مردان است، از آن بابت که حضور مرد در جامعه اسلامی چشمگیرتر از حضور زن است. مشیهای مربوط به داخل خانه

نادیده گرفتن خطاهای یکدیگر<sup>۱۸</sup>، داشتن سعه صدر، صبر، حلم و ...

- نظارت مردم بر یکدیگر در حفظ و کنترل رفتار، رعایت عفت و تقوا، پند دهی ها، توصیه به حق و به صبر، رعایت ملاحظات اجتماعی، سرمایه گذاری از آبروی خود برای واسطگی ها، شفاقت ها و ...

- اقدامات دولت در کنترل ها، اجرای حدود و تعزیرات برای منحرفان و آلودگان، حمایت از مظلوم در خانواده، گذران امر طلاق از مجرای قانون، موعظه ها، اجرای مسأله حکمیت در نشوز و شقاق<sup>۱۹</sup> و ...

- و در رأس همه اینها توجه دادن مردم به خدا، معاد و حساب، جزا و کیفر الهی در صورت ستم، تقویت اخلاق، استفاده از قدرت و نیروی وجدان و ...

جو بیرون به میزانی مفسده انگیز و تحریک کننده است که بسیاری از مردان و زنان را به دامن آلودگی سوق می دهد. دیدن زرق و برق های ظاهر دیگران خود عامل تنوع طلبی ها، رفیقه بازیها و برقراری ارتباطات نامشروع است که آمار متوسط آن در جامعه امریکا برای مردان تا ۴۰ سال، ارتباط نامشروع با ۱۲ نفر بوده است.<sup>۱۳</sup>

ازدواجها در غرب رنگ هوسی دارد، نه الهی. روابط با جنس دیگر آزاد و بلا مانع است. عزویت و تجرد در غرب گناه به حساب نمی آید. تبلیغات دولت و مردم در جهت تشکیل خانواده و تشویق به ازدواج نیست. در جنبه های غریزی، عفت و شرافت جای پای ندارند و چه بسا که دوشیزه ماندن تا شب زفاف نوعی ضعف و بی عرضگی به حساب آید!!

## ۲۶- در تداوم حیات خانوادگی

گفتیم که اسلام برای خانواده قداست قائل است و برای تحکیم و تداوم آن می کوشد. اسلام می خواهد زن و شوهر مادام الممر با هم و در کنار هم باشند و هیچ امر و مسأله ای نتواند این روابط را از آمیز را از هم بگسلاند. اسلام در طریق تداوم حیات خانوادگی اقداماتی دارد که بخشی از آنها را بر شمردیم و بخشی دیگر را که از نظر ما جدی تر و عمیق تر است به صورت زیر عرضه می داریم:

- استواری زندگی زوجین بر پایه حقوق، اخلاق، تجدید جاذبه ها، رعایت ضوابط دین و اخلاق، جاذبه های کلامی و خوش زبانی<sup>۱۴</sup>، همچنین حالت تهیوه<sup>۱۵</sup>، نظم داری در زندگی<sup>۱۶</sup>، کاستن توقعات از یکدیگر، تن دادن به تجمل و زینت، دوری از پریشان حالی<sup>۱۷</sup> و فلک زدگی،





فرهنگ و زبان‌آموزی کودک و تنظیم قواعد اخلاقی او را که در واقع بنیان‌سازی است، زن متعهد است و به همین گونه است حفظ سکون و آرامش خانواده.

زن حق شرکت در امور اجتماعی را دارد و اگر حضور او در جامعه اسلامی کمتر مطرح می‌شود، آن نیز به خاطر حفظ حرمت او، پیشگیری از روابط ناسالم و جلوگیری از آسیب‌های بزرگ اجتماعی برای خانواده و سوء استفاده از جاذبه‌های جنسی اوست، وگرنه اسلام کارآیی زن و نیاز دنیای اسلام به کار او را از نظر دور نمی‌دارد و حتی عملاً او نقش برتر را در کارها عهده‌دار است. و این بینش اسلامی درباره زنی است که در دوران جاهلیت او را چون حیوان می‌دانستند و چون کالایی او را

در غرب مردم را حق مداخله و نظارت نیست. دولت نیز در امر عفت اجتماعی بی‌تفاوت است. اقدامات دولت در نظام قانون و قرارداد است، نه در دین و مذهب، عفت و شرف، تقوا و ...

### ۲۷- در بینش نسبت به زن

در بینش اسلامی زن به اعتبار انسانیت خود موجودی گرامی، برخوردار از حرمت و کرامت،<sup>۲۰</sup> در شؤون انسانی مساوی با مرد، کفر و همتای او و دارای این توان که مصداق اکرمکم عندالله<sup>۲۱</sup> باشد و در جنبه عبادی و در شرایط مساوی، برتر از مرد است.

در اسلام زنانی هستند که به ظاهر دارای رتبتی کوچک بودند، ولی به مقامات عالی رسیدند، مادر پیامبران شدند و قبرشان ناخواسته مطاف پاکان و نیکان است.<sup>۲۲</sup> مریم مادر عیسی بود و مورد نزول مائده آسمانی،<sup>۲۳</sup> فاطمه دختر پیامبر، زنی معصومه، و سیده نساء العالمین<sup>۲۴</sup> است و در تعبیرات اسلامی، زن گل یا ریحانه است.<sup>۲۵</sup>

مرد در اسلام کارگردان زن<sup>۲۶</sup> و راعی و نگاه‌دار اوست.<sup>۲۷</sup> اسلام مردان را توجه می‌دهد که با زن در نیاویزند و او را چون شیشه‌ای از خطر شکستن حفظ کنند. اگر ضلع منکسر است،<sup>۲۸</sup> اصرار به راست کردن او نداشته باشند، اما نتدار باشند و او را بانو و خانم تلقی کنند نه کلفت.

کارکرد حفظ نسل و پرورش آن که کاری بس مهم و خطیر است، به دست زن سپرده شده است. حفظ جان و سلامت روحی کودک در اختیار اوست. فرهنگ‌آموزی و معنویت‌خواهی در سایه او محقق می‌شود. انتقال

اسلام از همان آغاز، دخترکان را در خط عفاف قرار می‌دهد. از حدود پایان سه سالگی برای لباس او شرایط ویژه معین می‌کند. از حدود شش سالگی که سن تمیز است، روابط انس و محبت با او را ضابطه‌دار می‌سازد. از حدود سنین قبل از ده سالگی معاشرت او را به نظم در می‌آورد. از سنین بلوغ شرعی (آغاز ده سالگی) او را زنی کامل و مسؤول قرار می‌دهد و روابط معاشرتی دیگران را با او آزاد نمی‌گذارد<sup>۲۲</sup> و...

در ازدواج، دوشیزگی را برای دختر نشان شرف می‌شناسند، و عدم ارتباط او را با افراد بی‌بندوبار سندی برای رشد او به حساب می‌آورد<sup>۲۳</sup>. پس از ازدواج و حتی در عقد موقت او را در حصن و احسان قرار می‌دهد.<sup>۲۴</sup> دیگران را حق رابطه با او نیست، و او چون کالایی دست به دست نمی‌شود. حتی در طلاق و یا در مرگ شوهر، او در عده است<sup>۲۵</sup> و در دنیای خودش، و اسلام اجازه نمی‌دهد که در این دوران کسی آرامش فکری او را به هم زند و...

اما در غرب، از همان دوران خردسالی دختر اصرار دارند که او را زیبا و دلفریب‌تر سازند تا بتواند مشتریهای بیشتری را به سوی خود جلب کند. در واقع او را به دنبال مشتریها می‌دانند. او ناگزیر خود را عرضه می‌کند، و در این عرضه است که بسیاری از آنچه را دارد، از دست می‌دهد. و بدین‌سان دیگر بحث بکارت مطرح نیست، و حتی دوشیزه بودن در زفاف، مایه ننگ و خجلت و حاکمی از بی‌عرضگی است. پس از ازدواج هم حصن و حصار در کار نیست. آلودگی‌های ناشی از هوس و ذواقیت او را به دام می‌کشاند و از آن مهم‌تر

مورد خرید و فروش قرار می‌دادند و یا او را در قحطی‌ها می‌خوردند.<sup>۲۶</sup>

اما در غرب وجود زن منشأگناه، و او عامل و دستیار شیطان است<sup>۲۷</sup>. وجود او امری فرعی و تنها برای التذاذ شوهر است. کلفتی است با کمر بند زرین و منشی ارباب مافوق. ساغر بزم شراب است و عامل خوشگذرانی مردان. آری، زن در غرب آزاد است، ولی آزاد در چه چیزی؟ در بی‌بندوباری‌ها، در برهنگی‌ها، در رقص‌ها، در گرم کردن بزم عیش و خوشگذرانی مردان، در پارتی‌ها و جشن‌ها، و در یک عبارت، آزاد در آلودگی‌ها. اما در آنچه مربوط به انسانیت و شؤون انسانی است، خبری از او نیست و در آن‌گاه که بحث و مراقبه‌ای به میان آید، تنها قدرت، کارساز است که آن نیز در اختیار مردان است.

## ۲۸- در احسان<sup>۲۸</sup> و عفاف

اسلام با همه بدبینی نسبت به ضرور و خودفریفتگی افراد، آن را برای دختران و زنان می‌پسندد تا حافظ نجابت و عفت خویش باشند. عفت مادران بسی گرانقدرتر از پدران است، بویژه از آن بابت که تشکل شخصیت و اخلاق کودکان و آینده آنان، در اختیار مادران است.

در جامعه‌ای که زنان آن اهل عفت و پاکی و تقوا نباشند، مفاسد و آلودگی‌ها دامنگیر همه اعضای جامعه خواهد شد. در چنان صورتی همه چیز زیر سؤال خواهد رفت و همگان در دام نکت و بدبختی ناشی از فساد و آلودگی قرار خواهند گرفت، و این شأنی درخور حیوان و خلاف رضای اسلام است.

هر کدام به سوی سرنوشت جدید به پیش می‌روند. آمار طلاق بسیار بالاست و از آن بدتر آمار متارکه‌هاست. زن و شوهر از هم جدا می‌شوند. کودکان راهی پرورشگاهها و خود راهی سفری جدید در زندگی می‌گردند که در آن از برنامه و امید خبری نیست. مردان را باکی از این نخواهد بود که روابط معاشرتی آزاد داشته باشند و زنان را نیز وضع به همین گونه است، و پیداست که در این مسیر چه فاجعه عظیمی برای جامعه به وجود می‌آید و چه حیوانیتی برای آدمی حاصل می‌شود.

### ۳۰- در معنویت و التذاذ

اصل التذاذ در سایه تشکیل خانواده امری طبیعی و در همه جای جهان مطرح است.<sup>۳۷</sup> اما فرق است بین التذاذ صرفاً حیوانی، و یا توأم با انسانیت و معنویت. در التذاذ حیوانی تنها مسأله لذت مطرح است و دیگر هیچ. در التذاذ انسانی جنبه‌های دیگری از کمالات و معنویات نیز به حساب آمده، مورد نظرند. مثلاً در اسلام سفارش به یاد خدا در آمیزش و ذکر عظمت او، نیت‌داری در روابط همسری، ایجاد رابطه با همه وجود و توأم با اخلاص در نیت، مقدم داری حکم خدا بر حکم زن یا شوهر، فقط در فکر هم بودن و طرد اندیشه‌های شیطانی و ... مطرح است.<sup>۳۸</sup>

همچنین عدم برقراری روابط در ایام خاص، مثل دوران قاعدگی، حالت احرام، ماه رمضان<sup>۳۹</sup> و ... مطرح است و هم عدم پذیرش یکدیگر در حال مستی که آن خود موجب بروز فاجعه‌ای اسف‌بار است<sup>۴۰</sup> و وجود فرزندان که ناقص العضو و علیل هستند،<sup>۴۱</sup> خود دلیل بر حرمت چنان وضع است.

آلودگی ناشی از هرزه‌گردی شوهر و روابط آزاد و رقیقه بازی اوست و ...

### ۲۹- در روابط زوجین

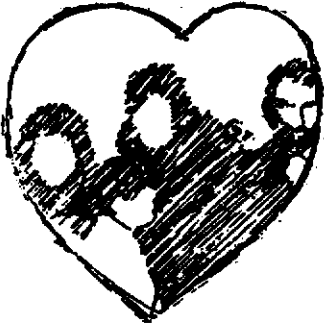
در اسلام اساس تشکیل خانواده و برقراری رابطه زوجیت بر کفویت اعتقادی است.<sup>۳۶</sup> زن و شوهر به یک خدا، یک پیامبر و یک کتاب معتقدند. وحدت اعتقادی و ایدئولوژیکی زن و شوهر سبب احساس انس، یکرنگی و همزبانی است و این خود نعمتی بزرگ در جهت تداوم حیات خانواده است.

ممکن است در زندگی مشترک مشکل و تنگنایی به وجود آید، ولی زن و شوهر می‌دانند که یکدیگر را به چه ضامن اجرایی حوالت دهند و بر چه نقطه‌ای تأکید ورزند تا از شرور هم در امان باشند. هر دو معتقد به خدا و قرآن و حساب و کتاب و کیفر و پاداشند، پس هوای یکدیگر را دارند و رفتار خود را تحت ضابطه در می‌آورند. بر این اساس، روابط محکم، طلاق و متارکه امری مذموم، و خیانت به هم به میزان حداقل است.

در غرب روابط و تشکیل خانواده بر اساس برق عشق، قرارداد و حداکثر ضابطه‌ای قانونی است و چیزی که به عنوان ضمانت اجرا بر دل حکومت کند، به چشم نمی‌خورد. ممکن است زن و شوهر دارای دو مذهب مختلف، و یا پای‌بند به دو مکتب متفاوت باشند و گاهی هم بحث دین و مکتبی در بین نباشد، ولی آنها این امور را مانع ازدواج نمی‌شناسند و طبیعی است که در چنان صورتی روابط زن و شوهر سست و سطحی و بی‌ثبات خانواده متزلزل است. به اندک بهانه‌ای این روابط قطع می‌شود و زن و شوهر

در حین روابط در سر پروراندن تخلفی به حساب نمی آید و نسلاها و فرزندان از این دید چهار شائبه و آشفتگی های بسیارند.

در غرب تکیه گاه روابط، فقط جنبه غریزی است و زن و مرد چون دو وسیله و ابزار در اختیار یکدیگرند. تسلیم جنسی در عین مستی امری عادی و طبیعی است و اندیشه دیگران را



پی نوشتها:

۱- آیه ۲۷۹، سوره بقره .

۲- آیه ۲۹، سوره ق .

۳- به کتاب نظام حیات خانواده در اسلام مراجعه شود.

۴- الولد سید ... والزمه سبع سنین .

۵- چهره ملل .

۶- روان شناسی اجتماعی اتوکلاین برگ.

۷- به کتاب در مکتب فاطمه، از همین قلم

مراجعه کنید.

۸- بر اساس تقسیم وظیفه توسط رسول خدا

(ص).

۹- آیات ۴۴، ۴۵ و ۴۷ سوره مائده .

۱۰- آیه ۱۱۰، سوره آل عمران.

۱۱- آیه ۷۱، سوره توبه.

۱۲- آیه ۳۲، سوره نور.

۱۳- آمار رسمی امریکا .

۱۴- تحف العقول، صفحه ۲۷.

۱۵- مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۵۵۹.

۱۶- نامه ۴۷، نهج البلاغه .

۱۷- وسایل الشیعه، جلد ۳، صفحه ۳۴۱.

۱۸- غررالحکم.

۱۹- آیه ۳۵، سوره نساء.

۲۰- آیه ۷۰، سوره اسراء.

۲۱- آیه ۱۳، سوره حجرات.

۲۲- قبر هاجر در حجر اسماعیل .

۲۳- آیه ۳۷، سوره آل عمران .

۲۴- به تعبیر رسول الله .

۲۵- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲۶- آیه ۳۴، سوره نساء.

۲۷- آیه ۶، سوره تحریم.

۲۸- نهج البلاغه .

۲۹- المیزان، جلد ۲، صفحه ۲۷۳.

۳۰- بر اساس اندیشه مسیحیت کاتولیک.

۳۱- احصان به معنی دیوارکشی است و غرض

از احصان زن، مرزداري او پس از ازدواج در روابط

است .

۳۲- به کتاب اسلام و تربیت دختران مراجعه

شود.

۳۳- در زفاف در صورت عدم بکارت، مرد حق

دارد او را به خانه پدر پس بفرستد.

۳۴- عقد موقت، شرعی و ضابطه داراست . زن

فقط با یک مرد رابطه دارد و پس از اتمام مدت باید

عده نگه دارد.

۳۵- عده عبارت از آغاز جدایی و طلاق تا زمان

یافتن حق مجدد ازدواج است .

۳۶- شرط ایمان به اسلام .

۳۷- و این زاییده غریزه است .

۳۸- روضة المتقین، جلد ۸.

۳۹- به رساله های عملیه مراجعه شود.

۴۰- تن دادن به روابط زناشویی در مستی، لعن

خدا را به دنبال دارد.

۴۱- معروف به بچه های شب زانویه که شب بد

مستی غریبان است .